

E-ISSN: 2709-9369
P-ISSN: 2709-9350
www.multisubjectjournal.com
IJMT 2021; 3(1): 110-116
Received: 09-11-2020
Accepted: 26-12-2020

شهاب الدین ثاقب
استاد، دانشکده دانشگاه شریعت
البیرونی، افغانستان

زمری محمدی
استاد، دانشکده دانشگاه شریعت
البیرونی، افغانستان

اهدای خون در آموزه های اسلام

شهاب الدین ثاقب و زمری محمدی

چکیده

خدای تعالی با لطف و مهربانی خویش اجرای انتقال خون را جایز دانسته است، اگر اهدای خون جواز نمیداشت ممکن جامعه اسلامی با مشکلات عدیده ای دست و پنجه نرم میکردند و هرگز کسی حاضر نمیشد تا برای آسیب دیدگان جنگ، انتحار، انفجار، سرطان خونی، عملیات های قلبی، گرده و ولادت... خون بدهند، این مقاله علمی با استفاده از روش تحلیلی و توصیفی کتابخانه ای آماده گردیده است و بیان میدارد که اهدای خون یکی از موضوعات مبرم جامعه افغانی بوده و با استناد به آیات، احادیث و فتوای های فقهی معاصر به سوالات و پیچیدگی های که مربوط به اهدای خون است پاسخهای مدلل و منطقی ارایه نموده است، در حیثیت شرعی اهدای خون در آموزه های اسلامی، حدود و ضوابط این عمل، جواز و یا عدم جواز اهدای خون، خرید و فروش خون و اینکه آیا به مانند مکیدن شیر موجب حرمت ازدواج خواهد شد و یا خیر بحث صورت گرفته است. اهدای خون یکی از مقاصد اسلام را که همانا حفظ نسل و نفس در جامعه است تحقق بخشیده مریض را از معرض خطر هلاکت نجات داده و دو باره در جامعه به حیث یک فرد صحتمند و سالم تقدیم میدارد. همچنان اهدای خون در عمل نشان میدهد که مسلمانان یکدیگر برادر و برابر اند و با تمامی اعضای شان مکرم بوده و قابلیت خرید و فروش را ندارد بلکه مسلمانان از روی تعاون و همکاری باید برای یکدیگر خون را اهدا کنند. خرید و فروش خون از دیدگاه شریعت اسلام حرام است مگر اینکه جز خریدن خون دیگر هیچ چاره ای نباشد که مباح بوده اما گناه آن بر دوش بائع میباشد، مشروط بر اینکه مشتری بیش از حد نیاز خون را خریداری ننماید. زیرا اگر خرید و فروش آن جواز می داشت در اینصورت اشخاص و افراد به اختطاف برده میشد و خون آنها کشیده و به بازار عرضه میگردد، خدای متعال بخاطر تدابیر امنیتی خرید و فروش خون را حرام قطعی دانسته و آنرا در جمله ای محرمات منصوص علیه قرار داده است.

واژه های کلیدی: آموزه ها، اسلام، اهدا، خون.

مقدمه

الحمد لله الذي أنزل على عبده الكتاب ولم يجعل له عوجاً وأشهد أن لا إله إلا الله لا شريك له، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله وصلى الله عليه و على آله وصحبه أجمعين أما بعد:

اساس شریعت را جلب مصلحت و دفع مفسده تشکیل میدهد، اسلام همه تلاشهای خویش را در راستای تحقق سعادت فرد و جامعه انجام داده است. اهدای خون یکی از مواردی است که حیات انسان به آن وابسته بوده و حفظ حیات انسان یکی از مقاصد والای شریعت اسلام میباشد که از این رهگذر فرد و جامعه بر قله های بلند سعادت دسترسی پیدا میکند.

اهمیت موضوع

در عصر کنونی علم و تکنالوژی به سرعت در حال انکشاف بوده و این سبب شده که در جامعه اسلامی موضوعات نوین پدید آید؛ این در حالیست که قرآن کریم و سنت نبوی بطور صریح در مورد آنها چیزی حکم نکرده، اما دانشمندان اسلام ناگزیر اند تا احکام موضوعات جدید را در پرتو شریعت بیان نمایند، پس این تحقیق قسماً مسلمانان را از احکام جدیدی که همانا اهدای خون میباشد با خبر میسازد. در اینجا به بعضی از اهمیتهای این تحقیق بطور مختصر اشاره میگردد:

- 1- در عصر امروزی جنگ، انتحار، انفجار و مرض های صعب العلاج و مزمن از هر سو زندگی شهروندان افغانستان را تهدید نموده و این سبب میشود که آنها به خون نیاز پیدا میکنند، این تحقیق از یکسو مشروعیت اهدای خون را بیان نموده و از سوی دیگر اهدا کننده گان را به اهدای خون تشویق و ترغیب می نماید.
- 2- این تحقیق در عمل نشان میدهد که یکی از مقاصد اسلام همانا حفظ نسل و نفس در جامعه بوده و شریعت اسلام همواره در پی حفظ آن از هر راه ممکن میباشد.
- 3- این تحقیق با تحریم قرار دادن خرید و فروش خون نشان میدهد که مسلمانان با تمام اعضای شان مکرم بوده و همچنان مسلمانان مانند عضو واحد همواره در سعی و تلاش حل مشکلات برادر مسلمان خویش باشند.

Corresponding Author:

شهاب الدین ثاقب
استاد، دانشکده دانشگاه شریعت
البیرونی، افغانستان

4- انجام این تحقیق قسماً در راستای تعاون و همکاری و نیز کاهش جرایم مفید واقع خواهد شد زیرا با تحریم قرار دادن خرید و فروش خون، اشخاص و افراد استفاده‌جو نمیتوانند خون مردم را به جبر اخراج و بفروش برسانند.

اسباب اختیار موضوع

بعضی از علل سبب میشود که یک محقق عنوانی را انتخاب می نماید و بعداً روی آن حسب توان بشری کار می نماید و میخواید مشکل پیش آمده مرفوع گردیده و برای مسئله علمی جواب داده شود بنا بر این بنده موضوع اهدای خون در آموزهای اسلامی را روی اسباب ذیل انتخاب نمودم:

1- از مکلفیت های هر عضو کادر علمی این است که جهت نشر و پخش دانش به تحریر مقالات علمی بپردازد که بنده نیز شرف خانواده استادان را دارم فلذا خواستم تا موضوع اهدای خون در آموزه های اسلامی را به دست نشر بسپارم.

2- هنگامیکه به شهر می رفتم صدای تشویق و ترغیب به اهدای خون را می شنیدم به این فکر شدم که آیا اهدای خون در آموزه های اسلامی جای دارد یا خیر؟ اگر دارد روی کدام شروط؟ آیا اهدای خون سبب اثبات حرمت ازدواج میگردد یا خیر؟ برای حل این سوالات اقدام به نوشتن این موضوع نمودم.

3- تا جاییکه معلومات دارم، در این مورد بحث های زیادی به زبان عربی انجام شده است، اما حکم این موضوع را به زبان دری تا هنوز بطور مفصل بیان نشده است، لهذا خواستم تا احکام اهدای خون را بدسترس علاقمندان دین و شریعت اسلام قرار دهم.

اهداف تحقیق

تحقیقات علمی در تمام عرصه ها اهداف مشخص و معین را تعقیب میکنند و هر محقق تلاش مینماید تا از لابلای تحقیقاتی که انجام میدهد اهداف مشخص داشته باشد، بنده موضوع اهدای خون در آموزه های اسلامی را روی اهداف ذیل تحقیق نموده ام.

1- ادای مسؤولیت و وظیفه دینی و نیل به رضای خدای متعال و نیز دسترسی به امتیازات رتبه ای عملی پوهنملی.

2- بیان احکام، حدود و ضوابط اهدای خون در آموزه های اسلامی و اینکه چرا فروش خون جواز نداشته اما اهدای آن جواز دارد.

3- بیان وجوه افتراق میان خون و شیر و اینکه شیر هرگز بمثابه خون نبوده و نمیتواند که سبب اثبات حرمت ازدواج گردد.

4- تبیین حیثیت شرعی اهدای خون در آموزه های اسلامی و اینکه نظر به کدام شروط و در کدام حالات انتقال و اهدای خون جواز دارد.

سوالات تحقیق

سوال اصلی

چرا اهدای خون در شریعت اسلامی جواز دارد و آیا خون با شیر فرق دارد یا خیر؟

سوالات فرعی

1- آیا اهدای خون مورد تأیید شریعت اسلامی قرار گرفته است یا خیر؟

2- اهدای خون در کدام حالات جواز داشته و در کدام حالات جواز ندارد؟

3- شروط اهدای خون کدامها اند و آیا خون سبب اثبات حرمت ازدواج میگردد یا خیر؟

پیشینه ای تحقیق

موضوع اهدای خون یک موضوع بس مهم بوده است که توأم با عرض اندام اسلام این موضوع بشکل کلی مطرح بوده است در کتاب و سنت نبوی به گونه صریح شاید بحث نشده باشد و در کتاب های معتبر فقهی قدیم به شکل پراکنده و با عبارات مجمل مورد بحث قرار گرفته است.

اما جدیداً فتاوی و کتابها موضوع اهدای خون در آموزه های اسلامی را مورد بحث قرار داده اند که از جمله آنها میتوان به کتب ذیل اشاره نمود.

1- الأحادیث الواردة في البيوع المنهي عنها، سليمان بن صالح الثنيان، (2002/1423م)، عمادة البحث العلمي بالجامعة الإسلامية، المدينة المنورة، المملكة العربية السعودية.

2- صالح بن فوزان الفوزان، جمعه من: فتاوى محمد بن إبراهيم آل الشيخ رحمه الله، وابن باز رحمه الله، ومشايخ اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء، (ب:ت)، فتاوى الطب والمرضی، أشرف على جمعه: قدم له: عبد العزيز بن عبد الله بن محمد آل الشيخ، رئاسة إدارة البحوث العلمية والإفتاء.

3- م العلاج بنقل دم الإنسان أو نقل أعضاء أو أجزاء منها: د. أحمد فهمي أبو سنة، بحث منشور بمجلة الفقه الإسلامي السنة الأولى 1408 هـ، العدد الأول.

4- الاجتهاد الفقهي للتبرع بالدم ونقله. د. مناع القطان بحث منشور بمجلة مجمع الفقه الإسلامي السنة الثانية: 1400.

اما نکات تفاوت این تحقیق با رسایل فوق الذکر از این قرار است:

1- جمع آوری و ترتیب موضوعات مرتبط به اهدای خون که به صورت متفرق در کتابها و فتاوی متعدد یافت می شود، و تحریر آن به زبان دری با عبارات سلیس و روان.

2- حسب معلومات و مطالعه بنده هیچ کدام کتب فوق الذکر احکام خرید و فروش خون را در حالات ضرورت مورد باز رسی قرار نداده است، تحقیق علمی هذا این نقیصه علمی را در بُعد اهدای خون مرفوع ساخته است.

3- مستند سازی احکام مربوط به اهدای خون از منابع معتبر و مؤثق.

فرضیه تحقیق

انجام این تحقیق قسماً حیثیت شرعی اهدای خون را بر ملا خواهد ساخت و نیز مسلمانان را در روشنایی احکام شریعت مبنی بر اهدای خون قرار خواهد داد حتی مسلمانان را بر اهدای خون بر آسیب دیدگان که ضرورت میرم جامعه امروزی افغانستان تشویق و ترغیب خواهد نمود.

روش تحقیق

در این تحقیق از دو روش توصیفی و تحلیلی استفاده شده است، در مجموع این رساله علمی به سیستم A.P.A. تحریر گردیده است.

1- استناد به آیات، و قرار دادن آنها در بین قوس مشجر () و حواله آن با ذکر نام سوره و شماره آیت در قسمت اخیر آیت.

2- استناد به احادیث و تخریج آن از کتابهای معتبر حدیث و نیز استناد به فتاوی معاصر و قرار دادن متن آنها در بین قوس ناخونک «».

3- ذکر دیدگاه های فقهاء در رابطه به موضوعات و نسبت دادن اقوال به صاحبان آن با امانت داری، هر مطلبی را که بیان کرده ام از منابعی که استفاده نموده ام با شیوه سیستم A.P.A. بدینگونه به آنها اشاره نمودم.

(تخلص مؤلف، سال نشر: در صورتیکه کتاب داری جلد بوده است با حرف ج اشاره به جلد و با حرف ص اشاره به صفحه کتاب نموده ام. همچنان کتابهای که دارای محقق بوده است بعد از تخلص مؤلف، تخلص محقق تحریر گردیده است.

4- نوعیت خط متن داخل صفحات B Zar میباشد اما استثناء بعضی کلماتی که دارای حروف تاء مدوره بوده نوعیت خط آن Nazanin میباشد، باید دانست که نوعیت خط آیات، احادیث و متون عربی Traditional Arabic میباشد.

5- هر زمانیکه سال چاپ کتاب یا سال تولد و وفات مؤلف را ذکر نموده ام، با حرف ه اشاره به سال هجری و قمری اشاره شده است.

6- در ترجمه آیات از تفسیر خرم دل استفاده شده است.

مفهوم اهدای خون و تاریخچه و حالات آن

الف- مفهوم لغوی خون

خون: مایعی سرخ رنگ که در رگ های بدن انسان ها و جانوران جریان دارد و تغذیه بدن از آن تأمین می شود. (عید، 1389 ه.ش: 699 - 1050).

ب: حدیث

چنانچه خرید و فروش خون جواز ندارد گرفتن قیمت و عوض آن نیز حرام میباشد چنانچه پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرموده است: **عَنْ أَبِي عَبَّاسٍ وَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا حَرَّمَ شَيْئًا حَرَّمَ ثَمَنَهُ»**. (دارقطنی، تحقیق: شعیب ارنووط، 1424 هـ - 2004 م: ج 3، ص: 388).

ترجمه: ابن عباس از پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - روایت میکند که میفرماید: برآستی هرگاه خداوند چیزی را حرام کند بهای فروش آن را نیز حرام می کند.

عَنْ أَبِي جُحَيْفَةَ، قَالَ: رَأَيْتُ أَبِي اسْتَرَى عَبْدًا حَجَّامًا، فَسَأَلْتُهُ فَقَالَ: «نَهَى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ ثَمَنِ الْكَلْبِ وَثَمَنِ الدَّمِ» (بخاری، تحقیق: ناصر، (1422 هـ ق: ج 3، ص: 59).

ترجمه: ابو جحیفه - رضی الله عنه - می گوید: پدرم را دیدم غلامی خرید که شغلش حجامت بود. (و دستور داد تا ابزار حجامت او را بشکنند). از پدرم، علت آن را پرسیدم. گفت: رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - از قیمت فروش سگ، از مزد حجامت نهی نموده است. بغوی - رحمه الله - در ذیر این حدیث می نویسد: فروش خون جواز ندارد چون خون نجس میباشد، اما بعضی از دانشمندان حرمت فروش خون را بر خون حجامت حمل نموده اند. (بغوی تحقیق: شعیب ارنووط، 1403 هـ - 1983 م: ج 8، ص: 25).

همچنان ابن باز - رحمه الله - میگوید: با در نظر داشت این حدیث برای مسلمان جایز نیست تا عوض و بهای خون را بگیرد، اگر کسی بگیرد بر او لازم است تا آنرا بالای مسلمان صدقه و نفقه کند. (ابن باز، أشرف علی جمعه وطبعه: محمد بن سعد الشویعر، ب: ت: ج 19، ص: 48).

ج: اقوال دانشمندان

در مورد بهای خون دانشمندان اختلاف نظر نموده اند عده ای گفته اند که منظور از آن بهای حجامت بوده و عده ای گفته اند که حدیث بر ظاهرش اطلاق میشود (فروش خون حرام است) ابن حجر عسقلانی - رحمه الله - گفته است: منظور از آن فروش خون بوده و فروش آن همچو فروش خود مرده و گوشت خنزیر به اتفاق دانشمندان اسلام حرام میباشد، برابر است که شخص فروشنده و یا باع خون قرار گیرد (عسقلانی، رقم کتبه و ابوابه و أحادیثه: عبد الباقی، قام بآخراجه و صححه وأشرف علی طبعه: خطیب، 1379: ج 4، ص: 427).

نتیان یکی از علمای معاصر سعودی است ایشان در مورد چنین میگوید: خریدن خون با پول برای مریض جواز ندارد چونکه پیامبر - صلی الله علیه وسلم - از خرید و فروش خون منع نموده و نیز همچو معامله مخالف ارزشهای اخلاقی است (نتیان، 2002/1423 م: ج 1، ص: 103).

حکم خرید و فروش خون هنگام ضرورت

اهدای خون در حالات ضرورت و غیر مترقبه مانند جنگ، انتحار، انفجار، سرطان خونی، عملیات های قلب، گرده ولادت و یا سایر حالاتی که مریض به خون نیاز داشته باشد، با در نظر داشت مقاصد شریعت اسلامی و مصالح جواز دارد. چون که اهدای خون در حالات ضرورت سبب حفظ جان مریض گردیده و نیز از هلاکت نجات پیدا میکند.

در صورتیکه مریض بدون خریدن خون نتواند که درد را دواء نماید، پس او و اقاربش میتوانند که بخاطر حفظ جان و احیای نفس از هلاکت، خون را در بدل عوض خریداری نمایند و گناه آن بر دوش فروشنده خواهد بود، بشرط اینکه مریض و یا اقارب او به اندازه دفع ضرر از خویش بهای خون را بپردازند نه اضافه تر از قدر ضرورت، چنانچه امام نووی - رحمه الله - در مورد گرفتن اجرت بر فعل حرام چنین نگاشته است، طوریکه میفرماید: «و کما یحرم أخذ الأجرة فی هذا یحرم إعطاؤها، وإنما یباح الإعطاء دون الأخذ فی موضع ضرورة» (نووی: ج 5، ص: 195).

طوریکه گرفتن عوض در بدل فعل حرام، حرام بوده، دادن عوض نیز حرام میباشد، اما دادن بهای چیزی حرام در هنگام ضرورت نسبت به گرفتن بهای حرام، مباح و بهتر میباشد.

ب- مفهوم اصطلاحی اهدای خون

اهدای خون در اصطلاح: عبارت است از گرفتن خون از شخصی و انتقال آن برای شخصی دیگری (البابولی و الدولی، 52).

ج- تاریخچه اهدای خون

عملیه اهدای خون بار اول در سال 1667 میلادی در کشور فرانسه صورت گرفت البته این عملیه باگرفتن خون از حیوان و انتقال آن برای انسان انجام شد که متأسفانه منجر به مرگ مریض انجامید، اما در انگلستان برای بار اول عملیه انتقال خون از انسان برای انسان در سال 1918 م صورت گرفت که خوشبختانه این عملیه نتیجه مثبت داده و سبب صحتمندی مریض گردید (البابولی و الدولی: 52).

د- حالات انتقال خون

تویجری - رحمه الله - میگوید: انتقال خون از یک فرد به فرد دیگر از سه حالت خالی نیست و به نحو آتی حالات را بر می شمارد.

1- اهدای خون در هنگام ضرورت: مریضی که خوف هلاکت نفس و یا یکی از اعضای متصور باشد برای داکتر معالج جایز است تا خون را از یک فرد گرفته و به شخصی دیگر تزریق نماید، مانند اینکه زن نفاسه باشد و خون زیادی را ضایع نموده باشد. یا اینکه شخصی در انتحار و یا انفجار خون زیادی را ضایع نموده باشد، در اینصورت واجب است تا برای او خون تزریق گردد.

2- اهدای خون هنگام حاجت: مریضی که خوف هلاکت نفس متصور نبوده، اما مریض از شدت مرض رنج می برد در همچو حالت برای داکتر جواز داشته تا یکمقدار خون را بخاطر آرام و تسکین ساختن درد، برای مریض تزریق نماید.

3- حالت عدم موجودیت ضرورت و حاجت به خون: انتقال خون در حالت ضرورت و حاجت جواز داشته، اما در غیر از این حالات انتقال خون جواز ندارد، مانند اینکه شخص بخاطر طروات، شادابی و زیبایی خون خود را تغیر دهد. (تویجری، ب: ت: ج 4، ص: 362).

حکم خرید و فروش خون بدون ضرورت

اصل بر آنست که فروش خون حسب هدایات خدای متعال و ارشادات نبوی - صلی الله علیه وسلم - حرام میباشد، زیرا حرمت آن با نصوص شرعی قطعی ثابت شده است و همچنان خون جزء آدمی بوده و انسان با تمام اعضایش مکرم بوده و محل عقد بیع قرار گرفته نمیتواند.

در مورد حرمت خرید و فروش خون آیات، احادیث و اقوال دانشمندان به کثرت آمده است اما در اینجا به بعضی آن اشاره میشود.

الف: قرآنکریم

﴿ إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْنَا الْمَيْتَةَ وَالِدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنزِيرِ وَمَا أُهْلَ لَغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴾ (النحل: 115).

ترجمه: خداوند متعال تنها مردار، خون و گوشت خوک و آنچه نام غیر خدا (به هنگام ذبح) بر آن گفته شده باشد بر شما حرام کرده است. ولی اگر آن کس که مجبور شود (در صورتی که علاقه مند نبوده و متجاوز نباشد، بر آنان ایرادی نیست؛ چرا که خداوند بس آمرزنده و مهربان است.

وجه استدلال: معاوضه خون با مال بیع بوده و بیع خون شرعاً جواز نداشته و نیز نوع منفعت بردن از آن جایز نمی باشد. چون خون در زمره ای محرمان بر شمرده ای آیت قرار گرفته و اشیای حرام محل بیع قرار گرفته نمی تواند.

همچنان فروش خون و در یافت پول از این مدرک بنابر این فرموده خدای متعال حرام میباشد، چنانچه میفرماید: (وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا). (البقرة: ۲۷۵).

ترجمه: و حال آن که خداوند خرید و فروش را حلال کرده است و ربا را حرام نموده است.

وجه استدلال: خرید و فروش خون و گرفتن عوض و بهای آن از این قول خدای متعال مستثنی و خاص میباشد.

وجه استدلال: داد و ستد خون شرعاً ممنوع می‌باشد، اما دست دهنده پول مبنی بر دریافت خون در هنگام ضرورت نسبت بر دست گیرنده پول مبنی بر اهدای خون بهتر است.

همچنان در فتوی رئیس کمیته فتوی از هر شریف چنین آمده است: در صورتیکه برای اهدا کننده خون، جهت جبران خون اهدا شده، بهای مواد غذایی داده شود مشکل شرعی ندارد، مشروط بر اینکه همچو تبرعات و تعاون میان طرفین به رضا و رغبت صورت بگیرد و نیز همین تعاون بعد از اجرای عملیه اهدای خون باشد نه قبل از آن و نیز مقدار و کمیت و کیفیت مواد غذایی مشخص نگردد، چون در صورت مشخص شدن مقدار و کیفیت غذا بیع منعقد خواهد شد و بیع خون شرعاً حرام است (فتوی رئیس لجنة الفتوی بالأزهر بتاريخ 1989/2/17 م).

همچنان در فتوی مجمع فقهی رابطه عالم اسلامی چنین آمده است: در صورتیکه شخص نتواند خون را بطور رایگان دریافت نماید و ضرورت شدید بدان احساس نماید، شخص در همچو حالت مضطر شمرده شده و می‌تواند که خون را با عوض بگیرد، اما گناه آن بر دوش فروشنده خواهد بود نه بر مشتری، در صورتیکه برای اهداء کننده ای خون یک اندازه مال بطور تحفه و مکافات داده شود کدام مانع شرعی وجود ندارد، چون چنین داد و ستدها از باب تبرعات بوده نه از باب خرید و فروش (فتوی المجمع الفقهی لرابطة العالم الإسلامي في دورته الحادية عشرة المنعقدة بمكة المكرمة من 13 - 20 رجب 1409 الموافق 19 - 26/2/1989 م).

فتوی های فوق دلالت بر تحریم بیع خون دارد، زیرا انسان با جمیع اجزایش محترم بوده و نیز خرید و فروش خون بنا بر نجس بودن آن حرام قطعی می‌باشد.

اگر گفته شود چرا اهدای خون جواز داشته اما فروش آن جواز ندارد. در جواب خواهیم گفت که عدم جواز بیع شی دلالت بر عدم جواز انتفاع شی نمیکند چنانچه میتوان از بهای خود مرده استفاده نمود، اما نمیتوان از خود مرده استفاده کرد، همچنان انتفاع از شی سبب اباحت بها و قیمت آن نمیگردد چنانچه فروش سگ جواز ندارد، با وجود اینکه انتفاع از آن جواز دارد، همچنان خرید و فروش خون مخالف ارزشهای اخلاق اسلامی می‌باشد (تنبیان، 2002/1423 م: ج 1، ص: 103).

حیثیت شرعی اهدای خون در آموزه اسلامی

در شریعت اسلامی خون انسان همچو خون جاری حرام است، پس نوشیدن آن بر هر مسلمان حرام قطعی بوده اما انتقال و تزریق آن به مریض از طریق شریان ها بخاطر فعالیت بهتر اعضای مریض جواز دارد. دانشمندان معاصر اسلام اهدای خون را در حالات ضرورت و حاجت مباح و گاهی واجب میدانند و بر گفتار خویش از آیات و احادیث بطور ذیل استدلال مینمایند:

الف: قرآنکریم

1- ﴿ وَمِنْ أَحْيَائِهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا ﴾ (المائدة: 32).

ترجمه: و هر کس که به او حیات بخشد چون کسی است که همه مردم را حیات بخشیده باشد.

وجه استدلال: آیه ای مبارکه بر اهمیت تمسک به اسباب احیای نفس معصوم تاکید دارد، در حالیکه اهداء کنندگان خون و نیز دوکتوران معالج از جمله کسانی اند که در احیای نفس نقش فعال داشته و متمسکین بر اسباب احیای نفس می باشند. زیرا اگر کسی به اهدا و یا تزریق خون حاضر نشود، نفس معصوم الدم هلاک خواهد گردید. همچنان آیه ای مبارکه تشویق و ترغیب به احیای نفس میکند، این در حالیست که انتقال خون سبب احیای نفس میشود، همچنان زمانیکه زندگی مریض وابسته به اهدای خون بوده باشد، پس انتقال آن واجب است تا مریض از مرگ نجات پیدا کند (تویجری، ب: ت: ج 4، ص: 362).

اهدای خون سبب احیاء و نجات حیات انسان از مرگ میگردد، پس میتوان گفت که اهدای خون یکی از راهها و اسباب تقرب به خدای متعال میباشد چون در آن نوع تعاون و همکاری با برادر مسلمان نهفته است و خداوند متعال مسلمانان را بر همکاری یکدیگر امر نموده است، چنانچه میفرماید: ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى﴾ (المائدة: 2).

ترجمه: در راه نیکی و پرهیزگاری همدیگر را یاری و پشتیبانی نمائید.

با در نظر داشت آیه مبارکه فوق بر مسلمانان لازم است که بر یاری دادن محتاجان خواه با مال یا با تأمین نیازهای آنها یا با یاری دادن آنها بر تأمین نیازها شان حریص باشد. چنانچه پیامبر - صلی الله علیه وسلم - « وَاللَّهِ فِي عَوْنِ الْعَبْدِ مَا كَانَ الْعَبْدُ فِي عَوْنِ أُخِيهِ ». (مسلم، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، ب: ت: ج 4، ص: 207).

ترجمه: خداوند بنده اش را کمک و یاری می کند تا آن وقت که بنده، برادرش را کمک و یاری کند.

وجه استدلال: اهدای خون یک کار نیک و پسندیده بوده و سبب یاری رساندن محتاجان گردیده و نیز نیاز های مسلمانان تأمین و مرفوع میگردد.

- حالت اضطرار یکی از موجبات تخفیف در احکام بوده و محرمان را استثناء مباح میگرداند، چنانچه خدای متعال میفرماید: ﴿ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴾. (الأنعام: 145).

ترجمه: اما کسانی که ناچار شوند، در حالی که تجاوز و تعدی از حد نمانند، خدا بخشنده و مهربان است.

وجه استدلال: آیه مبارکه گناه را از مضطر در حالت اضطرار نفی نموده است، پس مریض نیازمند به خون مضطر میباشد، بنا بر این هیچ گناهی بر مریض نیازمند اهداء کننده خون و نیز داکتریکه به اجرای این عملیه اقدام می نماید مرتب نخواهد شد.

4- در صورتیکه مریض نیازمند به خون از اجرای عملیه اهدای خون ممانعت ورزد، شخص متعدی محسوب شده و نیز شخصی بوده که خویشتن را بدست خویش به هلاکت انداخته است در حالیکه شریعت اسلام از همچو عمل مسلمانان را بر حذر داشته است، چنانچه میفرماید: ﴿وَلَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ (البقرة: 195).

ترجمه: و خود را با دست خویش به هلاکت نیفکنید، و نیکی کنید، همانا خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد.

همچنان او تعالی میفرماید: ﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا﴾ (النساء: 29).

ترجمه: و خودکشی نکنید و خون همدیگر را نریزید. بیگمان خداوند نسبت به شما مهربان بوده و خواهد بود.

ب: حدیث نبوی

1- عَنْ أَنَسِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ « أَنَّ نَفَرًا مِنْ عَظْمَاءِ قَبِيلَةِ عِصْرَةَ، قَدِمُوا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَبَايَعُوهُ عَلَى الْإِسْلَامِ، فَاسْتَوْخَمُوا الْأَرْضَ، وَسَقَمَتْ أَجْسَامُهُمْ، فَشَكَوْا ذَلِكَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: «أَلَا تَخْرُجُونَ مَعَ رَاعِيْنَا فِي إِبِلِهِ، فَتَصِيبُونَ مِنْ أَبْوَالِهَا وَالْبَائِيَاتِهَا»، فَقَالُوا: بَلَى، فَخَرَجُوا، فَشَرِبُوا مِنْ أَبْوَالِهَا وَالْبَائِيَاتِهَا، فَصَحُّوا، فَقَالُوا الرَّاعِي طَرَبْنَا الْإِبِلَ، فَبَلَغَ ذَلِكَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَبِعَتْ فِي آثَارِهِمْ، فَأَدْرَكُوا، فَجِيءَ بِهِمْ، فَأَمَرَ بِهِمْ فَفُطِعَتْ أَيْدِيَهُمْ وَأَرْجُلُهُمْ، وَسَمِرَ أَعْيُنُهُمْ، ثُمَّ نَبَذُوا فِي الشَّمْسِ حَتَّى مَاتُوا» (بخاری، تحقیق: ناصر، 1422 هـ: ج 9، ص: 8).

ترجمه: انس - رضي الله عنه - گوید: هشت نفر از قبیله عکله پیش پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - آمدند، چون آب و هوای مدینه با مزاجشان سازگار نبود مریض شدند، از ناسازگاری هوای مدینه و کسالت خودشان پیش پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - شکوه کردند، پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - گفت: «چرا با چوپان شترهای ما به صحرا نمی روید و از شیر و بول شترها استفاده نمی کنید؟» آنان هم قبول کردند، گفتند: بلی، می رویم، آنها با شترها به صحرا می رفتند، از شیر و بول شترها نوشیدند تا اینکه بهبود پیدا کردند، آنگاه چوپان رسول خدا را کشتند و شترها را به غارت بردند، جریان را به پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - خبر دادند، پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - دستور داد دست و پای آنان را قطع کنند، چشمشان را کور سازند، و در برابر خورشید قرارشان دهند تا بمیرند.

وجه استدلال: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - اشخاص مبتلا به مرض را بخاطر تداوی امر به نوشیدن بول شتر با وجود نجس بودن آن نمود (قسطلانی، 1323 هـ: ج 8، ص: 364). پس انتقال خون بخاطر شفایابی جواز دارد.

قَالَ الشَّافِعِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ: «هَذَا عَلَى الضَّرُورَةِ، كَمَا أُجِيزَ عَلَى الضَّرُورَةِ أَكْلُ الْمَيْتَةِ» (بيهقي، تحقیق: عطا، ب: ت: ج 2، ص: 559).

ترجمه: امام شافعی - رحمه الله - میگوید که نوشیدن شیر و بول شتر در هنگام ضرورت جواز داشته طوریکه خوردن خود مرده در حالت ضرورت جواز دارد.

2- اهدای خون سبب صحتمندی اهداء کننده خون میگردد، بلکه دادن خون یکنوع تداوی بوده و برای صحت و سلامتی شخص مفید واقع خواهد شد، چنانچه پیامبر - صلی الله علیه وسلم - امر به حجامت نموده و نیز آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - خود ایشان حجامت نموده اند، در اینمورد روایات متعددی آمده است: عَنْ حُمَيْدٍ، قَالَ: سَأَلَ أَنَسُ بْنُ مَالِكٍ، عَنْ كَسْبِ الْحَجَّامِ؟ فَقَالَ: اخْتَجَمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، حَجْمَهُ أَبُو طَيْبَةَ، فَأَمَرَ لَهُ بِصَاعَيْنِ مِنْ طَعَامٍ، وَكَلَّمَ أَهْلَهُ، فَوَضَعُوا عَنْهُ مِنْ خَرَاغِهِ، وَقَالَ: «إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَدَاوَيْتُمْ بِهِ الْحَجَامَةُ»، أَوْ «هُوَ مِنْ أَمْثَلِ دَوَائِكُمْ» (مسلم، تحقیق: عبد الباقي ب: ت، ج 3: ص: 1204).

ترجمه: حمید گوید که از انس - رضی الله عنه - درباره اجرت حجامت (خون گرفتن) از من سؤال شد، در جواب گفتم: پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - به وسیله ابو طیبه حجامت انجام داد و دو صاع (چهار کیلو) مواد غذایی به او داد، پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - با مالکین ابو طیبه (که برده بود) بحث و گفتگو کرد و ابو طیبه را به آنان سفارش نمود، ایشان هم از این بیعد در حق او سخت گیری نمی کردند، پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - گفت: بهترین چیزی که خودتان را به آن مداوا می کنید، حجامت و عود هندی است.

3- انتقال و اهدای خون در حالات نیاز و ضرورت شدید زیر حدیث جواز تداوی و موجودیت دوا بر ای هر درد قرار میگیرد، زیرا تداوی ضیاع خون جزء با اهدای خون هیچ راهی دیگری ندارد و درد نبود خون جزء با انتقال خون با هیچ دیگر مداوا نمیشود، بنابر این اجرای عملیه اهدای خون زیر این حدیث پیامبر میآید چنانچه پیامبر - صلی الله علیه وسلم - میفرماید: «تَدَاوُوا فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَضَعْ دَاءً إِلَّا وَضَعَ لَهُ دَوَاءً، غَيْرَ دَاءٍ وَاحِدٍ الْهَرَمُ» (سجستانی، تحقیق: محمد محیی الدین عبد الحمید، ب: ت، ج 4، ص: 3).

ترجمه: ای بندگان خدا! تداوی کنید زیرا خداوند دردی نیافریده است مگر که با آن شفائی پدید آورده است به جز پیری و بزرگسالی. وجه استدلال: گرفتن خون از شخص اهدا کننده و انتقال آن برای مریض نیازمند یکنوع تداوی بوده و تداوی برای مسلمان جواز دارد.

ج: قواعد فقهی

اهدای خون با در نظر داشت قواعد عمومی فقهی جواز داشته که بطور نمونه چند قاعده در اینجا تحریر میگردد.

1- «الضرورات تبيح المحظورات» (لجنة مكونة من عدة علماء وفقهاء في الخلافة العثمانية، تحقيق: نجيب هوايني و نور محمد، ب: ت، ص: 18).

ترجمه: ضرورتها و ناچارها ممنوعات و محرمان را مباح می گردانند.

فقهاء - رحمهم الله - در کتب خویش مبنی بر تداوی باخون هنگام حاجت قول نموده اند، چون خون از جمله ضروریات بدن بوده و زندگی انسان به آن وابسته میباشد و بدون آن زندگی انسانها به تهدید مواجه میگردد بنابر این اهدای خون بخاطر ضرورت شرعاً جواز دارد (زیلعی، تحقیق: الشلبی، ب: ت، ج 6، ص: 33، لجنة علماء برئاسة نظام الدين البليخي، 1310 هـ: ج 5، ص: 311).

«مالم يتم الواجب إلا به فهو واجب» (زرکشی، 1414 ق - 1994 م: ج 10، ص: 69).

ترجمه: هر چیزیکه واجب جز به وسیله آن تحقق نیابد، آن چیز هم واجب است.

وجه استدلال: بنابر قاعده ای حفظ نفس و دفع ضرر واجب است، این دو امر متحقق نمیشود مگر در صورت وجود خون، پس انتقال خون بخاطر حفظ نفس و دفع ضرر واجب میباشد (تویجری، ب: ت، ج 4، ص: 361).

2- «الْمَشَقَّةُ تُجَلِّبُ التَّيْسِيرَ». یعنی: مشقت و سختی، باعث ایجاد آسانی می شود.

3- «الضَّرَرُ يُزَالُ». یعنی: ضرر و زیان باید از بین رود.

4- «الْحَاجَةُ تُنْزِلُ مَنَزِلَةَ الضَّرُورَةِ عَامَّةً أَوْ خَاصَّةً». (لجنة مكونة من عدة علماء وفقهاء في الخلافة العثمانية، تحقيق: نجيب هوايني و نور محمد، ب: ت، ص: 18-19).

یعنی: نیاز به منزله ضرورت است اعم از نیاز عام و نیاز خاص. اگر چه خون با نصوص شرعی حرام بوده اما بنا بر مصلحت، رفع مشقت و ضرر و نیز نجات حیات مریض اهدای آن جواز دارد، چون اگر این

دروازه بسته شود کسی حاضر نخواهد شد تا برای نجات برادر مسلمان خود یکی از اعضاء و یا خون خویش را اهداء کنند و مسلمانان دچار مشقت و تنگی خواهند گردید در حالیکه یکی از مقاصد اسلام رفع حرج و مشقت از مسلمانان در جامعه است.

همه موارد فوق دال بر آنست که اهدای خون از نظر شریعت در هنگام ضرورت جواز دارد، همچنان عمل شخص اهدا کننده و نیز داکتر معالج در شریعت اسلام یکنوع احسان و فدا کاری محسوب میشود، چون آنها سبب شده اند تا نفس از معرض هلاکت نجات پیدا کند.

ب: شرایط جواز اهدای خون نزد فقهای اسلام.

حکم خوردن خون انسان همانند خوردن خون جاری حرام است، اما تزریق آن از طریق ورید با در نظر داشت شروط ذیل جواز دارد.

الف: اینکه مریض و یا مضطر برای خون نیاز شدید داشته باشد. بدین معنی مریض به اهدای خون نیازمند باشد، البته این شرط با شهادت دوکتور معالج مسلمان و عادل ثابت خواهد گردید. در صورتیکه داکتر متخصص مسلمان در این بخش پیدا نشود میتوان نزد داکتر غیر مسلمان جهت تداوی مراجعه نمود، چنانچه پیامبر - صلی الله علیه وسلم - عبد الله بن اریقظ الدیلی یهودی راهنمای سفر خویش بسوی مدینه بگماشت. رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - در شب دوشنبه ماه ربیع الأول سال اول هجری - 622 م. با ابو بکر الصدیق قرار مهاجرت نهاد و او عبد الله بن اریقظ الدولی را که از بنی بکر بن عبد مناف بود، اجیر کرد تا آنان را به مدینه راه نماید و از بیراهه ببرد. او مردی کافر و حلیف عاص بن وائل بود، ولی آن دو به امانت او اعتماد داشتند. عبد الله از راه شناسان بود. رسول - صلی الله علیه وسلم - شب هنگام از روزنی که در پشت خانه ابو بکر بود بیرون آمد و هر دو به غاری که در کوه ثور در پایین مکه بود، رفتند و در آن پنهان شدند (مبارکفوری، ب: ت، ص: 150).

ابن القیم - رحمه الله - در کتاب بدائع الفوائد میگوید: به کرایه گرفتن عبد الله بن اریقظ بحیث راهنمای سفر دلالت میکند بر جواز رجوع نزد کافر غرض تداوی، کتابت، حساب و کتاب و سایر اشیای مورد نیاز انسان، زیرا مجرد کفر سبب از بین بردن اعتماد نمیکردد. (ابن القیم، ب: ت، ج 3، ص: 208).

ب: عدم امکان تداوی بدون اهدای خون، بدین معنی هیچ راهی دیگری جهت تداوی و شفایابی مریض جزء اهدای خون وجود نداشته باشد.

ج: عدم متضرر گردیدن اهداء کننده خون، یعنی اهدای کننده خون از اهدای خون متضرر نگردد (تویجری، ب: ت، ج 4، ص: 361، و ج 5، ص: 493).

از ادله ای که بر واجب بودن نگهداری و محافظت از نفس استدلال می شود عموم این قاعده فقهی است: «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ» (لجنة مكونة من عدة علماء وفقهاء في الخلافة العثمانية، تحقيق: نجيب هوايني و نور محمد، ب: ت، ص: 18).

یعنی: ضرر دیدن و ضرر رساندن در اسلام جایز نیست.

د: به حد اقل اهدای خون برای مریض اکتفاء شود، بدین معنی به همان مقداری که مریض نیاز به خون دارد به همان اندازه تزریق گردد و از تزریق بیش از حد نیاز جلوگیری صورت گیرد، چنانچه در ماده 22 مجله الاحکام آمده است: «مَا أُبِيحَ لِلضَّرُورَةِ يَنْقَدِرُ بِقَدْرِهَا». «الضرورات تقدر بقدرها» (لجنة مكونة من عدة علماء وفقهاء في الخلافة العثمانية، تحقيق: نجيب هوايني و نور محمد، ب: ت، ص: 18).

ترجمه: آنچه برای ضرورت مباح ساخته شده است به اندازه کفایت در نظر گرفته میشود.

ه: اهدای خون بطور رایگان باشد. چرا که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - بیع و فروش خون را منع نموده است: «إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهَى عَنْ ثَمَنِ الدَّمِ، وَثَمَنِ الْكَلْبِ» (بخاری، تحقیق: ناصر، 1422 هـ: ج 3، ص: 84).

ترجمه: رسول الله - صلی الله علیه وسلم - از گرفتن قیمت خون، پول سگ منع نموده است.

تویجری - رحمه الله - میگوید: برای مسلمان جواز دارد تا یکمقدار خون خویش را بطور رایگان بخاطر نجات برادر مسلمان اهداء کند، زیرا اهدای

خون سبب نجات مسلمان از مرگ می‌گردد (تویجری، ب: ت: ج 4، ص: 493).

فرق میان شیر و خون از حیث اثبات حرمت

خون با شیر از چندین وجه با یکدیگر فرق دارند که هر یک آن بطور شماره وار تحریر می‌گردد:

الف- شیر با خون از حیث رنگ، طعم و بو فرق دارند البته این موضوع واضح بوده و نیاز به تشریح ندارد.

ب - حرمت خون به آیات و احادیث ثابت شده است، اما بر عکس شیر حلال است، ولی کسانی که قابل بر حرمت فروش شیر اند، استدلال ایشان چنین است که شیر جزء آدمی بوده و انسان آزاد با جمیع اعضایش محترم بوده و قابلیت فروش را ندارد.

ج - حکمت موجودیت شیر در پستان مادران همانا غذا بودن آن برای اطفال میباشد تا بدینوسیله حیات بشری حفظ گردد، اما بر عکس نوشیدن خون برای صحت انسانی مضر و نیز غیر قابل هضم میباشد، همچنان شیر ظرفیت جوشیدن را داشته و حرارت شدید سبب از بین رفتن تمام میکروپها می‌گردد، در حالیکه خون ظرفیت جوشیدن را نداشته بلکه لخته شده و تمام میکروپها را با خود نگاه میدارد.

د- در دوران شیر خوارگی، رضاعت سبب اثبات حرمت از دواج میان شیر خواران می‌گردد، اما اگر فرض به نوشیدن خون کنیم، با آن هم خون سبب اثبات حرمت از دواج نمی‌گردد (میلاد، 1426 هـ - 2005 م: ج 1، ص: 224-228).

ه- اهدای خون از یک شخص به شخص دیگر معنی لغوی، شرعی و عرفی رضاعت را نمیدهد، بنا بر این اهدای خون سبب اثبات حرمت نگردیده و احکام رضاعت بر آن مرتب نمی‌گردد، اگر گویند که بعد از تصفیه خون شیر بمیان میاید و باید حکم بر آن مرتب شود، ما می‌گوییم که نخیر زیرا کیفیت شیر با استحاله تغییر شده و به قدرت خدای متعال از خون به شیر تبدیل می‌گردد پس بالای شیر حکم خاص مرتب می‌گردد نه بالای غیر.

و- شیر خوارگی از جمله ای احکام است که از جانب شریعت بیان شده است و نیاز به اجتهاد ندارد. پس شیر خوارگی از امور تعبدی بوده و قیاس در امور تعبدی جواز ندارد. در اصل اشیای حلال است و نباید بدون نص حرام شود، زیرا رضاعت از خود شروط خاصی دارد و ان عبارت از اینکه باید از پستان مادر ی باشد که حمل گرفته باشد و نیز پنج رضاعت صورت گرفته باشد (اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والإفتاء، فتاوی اللجنة الدائمة - المجموعة الأولى، جمع و ترتیب: الدویش، ب: ت: ج 21، ص: 146).

ز- فقهای معاصر بدین اتفاق نظر دارند که اهدای خون سبب اثبات حرمت نگردیده و نمیتوان اهدای خون را بر رضاعت قیاس نمود، در این مورد فتوی مجمع فقهی رابطه عالم اسلامی چنین آمده است: بعد از مناقشه و گفتگو میان اعضای مجلس، مجلس به اتفاق آراء فیصله نمودند که اهدای خون سبب اثبات حرمت نگردیده و حرمت خاصه رضاعت میباشد (فتوی مجمع الفقهي لرابطة العالم الإسلامي في دورته الحادية عشرة المنعقدة بمكة المكرمة من 13 - 20 رجب 1409 الموافق 19 - 26/2/1989 م).

حکم ایجاد بانک خون.

ایجاد بانک خون جهت جمع آوری خون جواز داشته و میتوان خون را از اهدا کنندگان در آن نگهداشت تا در هنگام ضرورت مسلمانان بتوانند از آن بهره ای مشروع گیرند، مشروط بر اینکه کارمندان بانک از خون جمع شده سوء استفاده نکرده و از مریضان و اقارب آنها قیمت خون را نگرفته و نیز بانک راه در آمد خویش نسازند (فوزان، ب: ت: ج 1، ص: 348-353).

نتیجه گیری

از لابلای این تحقیق به نتایج ذیل رسیدم

1- عدم جواز خرید و فروش خون مگر اینکه چاره ای جزء خریدن نباشد در اینصورت شخص مضطر محسوب شده و برایش جواز دارد تا یکمقدار خون را جهت حفظ نفس خریداری نماید البته گناه آن بدوش بایع خواهد بود مشروط بر اینکه به حد اقل اکتفا نموده باشد.

2- اهدای خون سبب صحت‌مندی گردیده و همچنان اهدای خون بر سبیل تبرع و همکاری جواز داشته و نیز بر گیرنده خون جایز است تا یک

مقدار چیزی را بدون تعیین اندازه و مقدار، در بدل خون به عنوان تعاون و همکاری برای اهدای کننده بدهد.

3- اهدای خون در صورتی جواز دارد که مریض بدان نیازمند باشد و اهدا کننده از اهدای خون متضرر نگردد البته در اینمورد نظر داکتر متخصص معتبر دانسته میشود.

4- خون هر گز بمتابه شیر نبوده و سبب اثبات حرمت از دواج نمی‌گردد، چون خون با شیر از لحاظ رنگ، بو و ذایقه مختلف بوده و نیز خون از لحاظ لغوی، اصطلاحی، شرعی و عرفی رضاعت نامیده نمیشود.

5- مسلمانان مانند جسد واحد اند و میبایست هر یک جهت رفع مشکلات برادر خویش به قدر توان سعی و تلاش ورزیده و حتی بخاطر حمایت و حفظ حیات برادر مسلمان نباید از خون خویش دریغ ورزد.

6- اهدا و تبدیل خون صرف در حالات ضرورت و حاجت جواز دارد، چون در همچو حالت اهدای خون نوع همکاری با برادر مسلمان نفهته است و نیز با اهدای آن حیات مریض نیازمند دوباره اعاده گردیده و سبب صحت‌مندی مریض می‌گردد، در غیر از حالات ضرورت و حاجت اهدا، انتقال و تبدیل خون بخاطر طروات، شادابی و زیبایی به هیچ وجه جواز ندارد.

فهرست مراجع

- 1- قرانکریم
- 2- ابن القیم، محمد بن ابی بکر بن ایوب بن سعد شمس الدین الجوزیة، (ب: ت). بدائع الفوائد، دار الکتب العربی، بیروت، لبنان.
- 3- ابن باز، عبد العزیز بن عبد الله بن باز (ب: ت) مجموع فتاوی العلامة عبد العزیز بن باز رحمہ اللہ، أشرف علی جمعه وطبعه: محمد بن سعد الشویعر.
- 4- بخاری، محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، (1422 هـ). صحیح البخاری، تحقیق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، دار طوق النجاة.
- 5- اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والإفتاء، فتاوی اللجنة الدائمة - المجموعة الأولى، جمع و ترتیب: أحمد بن عبد الرزاق الدویش، رئاسة إدارة البحوث العلمیة والإفتاء - الإدارة العامة للطبع - الرياض.
- 6- بغوي، محيي السنة، أبو محمد الحسين بن مسعود بن محمد بن الفراء البغوي الشافعي، (الثانية، 1403 هـ - 1983 م). شرح السنة، تحقيق: شعيب الأرنؤوط-محمد زهير الشاويش، المكتب الإسلامي - دمشق، بيروت.
- 7- بيهقي أبو بكر، أحمد بن الحسين بن علي بن موسى الخُسْرُوْجْردي الخراساني، أبو بكر البيهقي. السنن الكبرى. محمد عبد القادر عطا. بيروت: دار الكتب العلمیة.
- 8- تویجری، محمد بن إبراهيم بن عبد الله التویجری، (ب: ت). موسوعة الفقه الإسلامي، بیت الأفكار الدولية.
- 9- ثنیان، سلیمان بن صالح الثنیان، (2002/1423 م)، الأحادیث الواردة في البيوع المنهي عنها، عمادة البحث العلمي بالجامعة الإسلامية، المدينة المنورة، المملكة العربية السعودية.
- 10- دارقطني، أبو الحسن علي بن عمر بن أحمد بن مهدي بن مسعود بن النعمان بن دينار البغدادي دارقطني، سنن الدارقطني، (1424 هـ - 2004 م)، حقه وضبط نصه وعلق عليه: شعيب لارنؤوط، حسن عبد المنعم شلبي، عبد اللطيف حرز الله، أحمد برهوم، مؤسسة الرسالة، بيروت - لبنان.
- 11- زيلعي، عثمان بن علي بن محجن البارع، فخر الدين الزيلعي الحنفي (ب: ت)، تبیین الحقائق شرح كنز الدقائق وحاشية الثبلي. تحقيق: شهاب الدين أحمد بن محمد بن أحمد بن يونس بن إسماعيل بن يونس الثبلي. القاهرة: المطبعة الكبرى الأميرية.
- 12- لجنة علماء برئاسة نظام الدين البلخي، (1310 هـ) الفتاوى الهندية، دار الفكر.

- 13- زركشي، أبو عبد الله بدر الدين محمد بن عبد الله بن بهادر، (1414 ق - 1994 م). البحر المحيط في أصول الفقه. دار الكتبي.
- 14- سجستاني، داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السجستاني، (ب: ت)، سنن أبي داود، تحقيق: محمد محيي الدين عبد الحميد، المكتبة العصرية، صيدا - بيروت.
- 15- عسقلاني، أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل الشافعي، (1379)، فتح الباري شرح صحيح البخاري، رقم كتبه وأبوابه وأحاديثه: محمد فؤاد عبد الباقي، قام بإخراجه وصححه وأشرف على طبعه: محب الدين الخطيب، دار المعرفة - بيروت.
- 16- عميد، استاد حسن، (1389 هـ). فرهنك عميد فارسي، ويراستار، عزيز الله عليزاده، مطبعه راه راشد.
- 17- عيني، أبو محمد محمود بن أحمد بن موسى بن أحمد بن حسين الغيتابي الحنفي بدر الدين العيني، (ب: ت). عمدة القاري شرح صحيح البخاري. بيروت: دار إحياء التراث العربي.
- 18- فوزان، صالح بن فوزان الفوزان، جمعه من: فتاوى محمد بن إبراهيم آل الشيخ رحمه الله، وابن باز رحمه الله، ومشايخ اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء، (ب: ت)، فتاوى الطب والمرضى، أشرف على جمعه: قدم له: عبد العزيز بن عبد الله بن محمد آل الشيخ، رئاسة إدارة البحوث العلمية والإفتاء.
- 19- فتوي المجمع الفقهي لرابطة العالم الإسلامي في دورته الحادية عشرة المنعقدة بمكة المكرمة من 13 - 20 رجب 1409 ? الموافق 19 - 1989/2/26 م.
- 20- فتوي رئيس لجنة الفتوي بالأزهر بتاريخ 1989/2/17 م.
- 21- قسطلاني، أبو العباس شهاب الدين أحمد بن محمد بن أبي بكر بن عبد الملك الألفيتي المصري، (1323 هـ). إرشاد الساري لشرح صحيح البخاري. مصر: المطبعة الكبرى الأميرية.
- 22- قشيري، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري، (ب: ت). صحيح مسلم، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، دار إحياء التراث العربي - بيروت.
- 23- ميلاد، عبد الناصر بن خضر ميلاد، رسالة (دكتوراه) جامعة الخرطوم، (1426 هـ - 2005 م). البيوع المحرمة والمنهي عنها، دار الهدى النبوي، مصر - المنصورة (سلسلة الرسائل الجامعية).
- 24- نووي، أبو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف النووي، (1412 هـ / 1991 م). روضة الطالبين وعمدة المفتين، تحقيق: زهير الشاويش، المكتب الإسلامي، بيروت- دمشق- عمان.
- 25- لجنة مكونة من عدة علماء وفقهاء في الخلافة العثمانية، (ب: ت)، مجلة الأحكام العدلية، تحقيق: نجيب هوايني، نور محمد، كارخانه تجارتي كتب، آرام باغ، كراتشي.